

اسپوزه

اعضای شاخه‌ی گیاهان دارویی گروه طب اسلامی و طب سنتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران^{*}

چکیده

اسپوزه، گیاهی است از تیره‌ی بارهنگ که در متون طب سنتی با نام‌های مختلفی از قبیل اسفرزه، اسپغول، اسفیوش، بزر قطونا و بنگو در سه رنگ متفاوت دانه شامل سفید، قرمز و سیاه معرفی گردیده است. در این مقاله سعی شده است با توجه به مشخصاتی که در منابع طب سنتی ذکر شده‌اند، نام یا نام‌های علمی مناسبی برای اسپوزه تعیین شود. نتایج نشان داد مشخصاتی که در کتب طب سنتی برای اسپوزه توضیح داده شده است، با دو گونه‌ی بومی و مطرح از جنس *Plantago* در ایران، *P. ovata* Forssk. و *P. psyllium* L. مطابقت دارد که می‌توان آن‌ها را با نام‌های پیشنهادی «اسپوزه» برای گونه‌ی *P. ovata* Forssk. و «اسپوزه‌ی بارهنگی» برای گونه‌ی *P. psyllium* L. از یکدیگر تفکیک نمود.

واژگان کلیدی: طب سنتی ایران، اسپوزه، تیره‌ی بارهنگ، اسپوزه‌ی بارهنگی.

۱. مقدمه

اسپوزه به انواع گیاه اسپوزه اطلاق می‌شود که در نوشتارهای مختلف به نام‌های، اسپغول، اسفیوش، بزر قطونا و بنگو نیز معرفی شده است. در مورد انواع اسپوزه در ایران با مطابقت دادن مشخصات ذکر شده در منابع قدیم و جدید و نمونه‌های موجود در بازار دارویی ایران و جهان، در این مطالعه دو گونه‌ی دارویی معرفی می‌گردد.

۱- *Plantago ovata* Forssk.

۲- *Plantago psyllium* L.

اسپوزه در کتب طب سنتی به شرح ذیل وصف شده است:

گیاه اسپوزه به صورت گیاهی کوچک دارای برگ‌های باریک که از بیخ آن ساقه‌های باریک خارج شده و خوشه‌هایی مانند خوشه‌ی گندم دارد، معرفی شده است. دانه‌های آن با نام بزر قطونا، در سه نوع سفید، سرخ و سیاه وجود دارد که نوع سفید آن را بهترین می‌دانند (۱-۲). به‌خصوص اگر سنگین و تازه (۱) و بالیده باشد به‌طوری‌که در آب ته نشین شود (۲). سودمندی نوع سرخ از نوع سفید کمتر است (۱-۲). بعضی

این نوع را بهتر دانسته و نوع سیاه را بدترین نوع آن ذکر کرده‌اند.

۲. کلید شناسایی گونه‌ها

۱- الف- گیاه دارای ساقه‌های مشخص با برگ‌های ساقه‌ای، پوشیده از کرک‌های کوتاه افراشته و غده‌های کوچک. سنبله به طول ۵ تا ۱۵ سانتی‌متر. کپسول شلجمی پهن. دانه‌ی سیاه.

P. psyllium.....

۱- ب- گیاه بدون ساقه‌ی مشخص. برگ‌ها طوقه‌ای، پوشیده از کرک‌های نرم پشیمی شکل. سنبله به طول ۰/۵ تا ۲ سانتی‌متر. کپسول تخم مرغی. دانه‌ی تقریباً سفید.

۳. سیری در منابع گذشته

این گیاه بومی ایران و هند است ولی مدت‌های طولانی در سراسر جهان کشت می‌شده است و هنوز هم تأمین کننده‌ی اصلی آن در بازار جهانی کشورهای ایران، هند و پاکستان می‌باشند (۴). اسپغول قدیمی‌ترین و مشهورترین نام جهانی آن است که واژه‌ای پارسی بوده و معنای گوش اسب دارد و به

اسپرزه (اسفرزه)

نام علمی: *Plantago ovata* Forssk

تیره: Plantaginaceae

نام انگلیسی: Ispaghula

مشخصات گیاه‌شناسی:

گیاهی چند ساله. گل‌آذین آن کوتاه یا متوسط، به طول ۱۴-۵ سانتی‌متر، بدون ساقه‌ی مشخص، پوشیده از کرک‌های نرم یا دارای کرک‌های پراکنده. ریشه‌ها طویل، باریک، برگ‌ها طوقه‌ای، دمبرگ‌دار، پهنک خطی باریک، دنداندار، پوشیده از موهای متراکم، کما بیش پشیمی، برگ‌ها به طول ۱۰-۲ و عرض ۲-۱ سانتی‌متر، سنبله سرسان یا استوانه‌ای کوتاه با گل‌های متراکم، به طول ۱-۲ سانتی‌متر. برگه‌ی تخم مرغی پهن تا دایره‌ای قایقی، در حاشیه مژه‌دار. کپسول تقریباً تخم‌مرغی به طول ۳/۵-۳ میلی‌متر دارای دو دانه سفید و سرخ.

زمان گل‌دهی اوایل اسفند تا اوایل خرداد.

پراکنش در ایران و جهان:

این گیاه در سراسر ایران رویش دارد. همچنین در اروپا، قفقاز، آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه، فلسطین و شمال آفریقا رشد می‌کند (۳).

اسپرزه (اسفرزه) بارهنگی

نام علمی: *Plantago psyllium* L.

تیره: Plantaginaceae

نام انگلیسی: Psyllium

مشخصات گیاه‌شناسی:

گیاهی یک ساله، کوتاه یا متوسط، به ارتفاع حداکثر ۴۰-۳۰ سانتی‌متر، با ساقه‌ی مشخص، فاصله‌ی میان گره‌ها ۷-۱ سانتی‌متر، در قسمت فوقانی دارای کرک‌های افراشته و غده‌های کوچک. برگ‌ها ساقه‌ای، متقابل، افراشته، دمبرگ‌دار، پهنک نیزه‌ای خطی، غشائی کاغذی با حاشیه‌ی صاف یا دنداندار، پوشیده از کرک‌های کوتاه و غده‌های کوچک، به طول ۶-۵/۵ سانتی‌متر و عرض ۴-۱ سانتی‌متر.

شکل دانه‌های گیاه اشاره می‌کند (۵). مصرف طبّی آن با سابقه‌ای هزاران ساله از شرق دور تا اروپا گسترش داشته است، به نحوی که تقریباً در تمامی منابع طبّ سنتی از آن نام برده شده است و هم اکنون نیز به عنوان یک داروی رسمی در فارماکوپه‌های کشورهای مختلف شناخته می‌شود (۴).

در مورد اسپرزه در کتب کهن طبّی چنین نگاشته شده است: جرم اسپرزه سرد و تر در درجه‌ی دوم (۶-۲) و لعاب آن سرد و تر است (۷). آشامیدن سفید آن رافع تشنگی و حرارت بوده (۹-۶) و قوه‌ی محلّله و ملین طبع دارد. در تب‌های حارّه، غلیان خون، امراض دمووی و اصلاح اخلاط سوخته مؤثر است (۱۰، ۲).

اسپرزه را در خشونت سینه، حلق و زبان و در بیماری‌های صفراوی به کار می‌بسته‌اند. این گیاه در درمان بیماری‌های مَغصّ^۱، قُرَح^۲ امعاء، زَحیر^۳ و رفع یبوست امعاء حادث از صفراء کاربرد دارد (۱۰-۹). اسپرزه در تلین اورام ظاهری و ورم صلب، وجع مفاصل حار و نفرس، جَمَره^۴، حُمَره^۵ و دمل^۶ مؤثر است (۲-۱) و در درمان سردرد و درد سینه‌ی گرم به کار می‌رود (۸، ۱). از این گیاه همچنین در التواء^۷ عصب حادث از یبوست استفاده می‌شود (۹، ۲). تخم آن قابض است (۶) و در صورت بریان نمودن و چرب کردن با روغن گل سرخ جهت رفع اسهال مؤثر است (۲).

از عوارض مهم ذکر شده در مورد اسپرزه آن است که اگر تخم آن را بکوبند طبیعت آن سمّی می‌گردد و نباید خورده شود (۶).

در منابع معتبر سنتی، نام‌های متفاوتی برای اسپرزه ذکر گردیده است که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

فارسی: اِسپَغُول (Espagöl) (۱۱، ۲)، اِسپَغَل (Espagol) (۱۱، ۲)، اِسبَغَل (Esbagöl) (۲)، خَرغُول (Ḫ ar gūl) (۱۲)، اِسفیوس (Esphiūs) (۱۱، ۲)، اِسفیوش (Esphiūs) (۱۳-۱۲)، اِسپَرزه (اصفهانی) (Esparzeh) (۱۰، ۲)، بَنگُو (Bango) و شکم دریده (شیرازی) (۱۱، ۲)

عربی: قَطُونَا (ḡatūnā) (۱۲)، حَبُّ الزَّرْقَةِ (Hab _al _ zarḡá) (۱۲)، بَزَرَقَطُونَا (Bazr ḡ atūnā) (۲). بَزَرَقَطُونَا لغتی فارسی است که معرب شده است (۱۴).

ترکی: قارْتَنی یاروق (ḡarni yârūḡ) (۱۱، ۲)

نمود و این اسامی را می‌توان معادل دانه‌های دو گونه از جنس *Plantago* قرار داد.

دو گونه‌ی مطرح از جنس *Plantago* در ایران گونه‌های مورد نظر در این تحقیق بوده‌اند که شاخه‌ی گیاهان دارویی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به منظور تبیین نام‌های گیاهان دارویی، نام‌های فارسی مناسب هر یک را بررسی کرده، نام اسپرزه را برای گونه‌ی *Plantago ovata* Forssk. و نام اسپرزه بارهنگی را برای گونه‌ی *Plantago psyllium* L. پیشنهاد می‌نماید. (جدول ۱)

جدول ۱. نام‌های پیشنهادی گونه‌های اسفرزه

نام فارسی پیشنهادی	نام علمی
اسپرزه	<i>Plantago ovata</i> Forssk.
اسپرزه بارهنگی	<i>Plantago psyllium</i> L.

سنبله‌ی تخم مرغی یا استوانه‌ای تخم مرغی کوتاه، متراکم، به طول ۵-۱۵ میلی‌متر. برگه‌ی تخم مرغی باریک یا تخم مرغی، متقار دار. کپسول شلجمی پهن، به طول ۳-۴/۵ میلی‌متر، دارای دو دانه‌ی سیاه رنگ.

زمان گل‌دهی اواخر اسفند تا اوایل تابستان.

پراکنش در ایران و جهان:

این گیاه در سراسر ایران رویش دارد. همچنین در اروپا، ترکیه، آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان، سوریه، فلسطین و شمال آفریقا رشد می‌کند (۳).

۴. موارد مصرف امروزی

بطور کلی دانه‌های اسپرزه‌ی بارهنگی (*P. psyllium*) و اسپرزه (*P. ovata*) در درمان یبوست و در مواردی که نرمی مدفوع مورد نظر می‌باشد برای مثال در بواسیر، شقاق مقعد و بعد از جراحی ناحیه‌ی آنورکتال و همچنین در تنظیم قوام مدفوع در بیماران مبتلاء به کولوستومی کاربرد دارد (۱۷-۱۵). کمپسیون E مصرف دانه‌های *P. psyllium* را برای یبوست مزمن و سندرم روده‌ی تحریک‌پذیر تأیید نموده است (۱۶). سازمان جهانی بهداشت علاوه بر تأیید موارد مصرف مذکور، موارد مصرف دیگری چون یبوست ناشی از حاملگی و یبوست ناشی از زخم دوازدهه را نیز به آن افزوده است. دانه‌های *P. ovata* به عنوان درمان علامتی مکمل برای اسهال با علت‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرند (۱۷). لعاب و فرآورده‌های حاصل از دانه‌های این گیاه به همراه رژیم کم چربی در درمان هیپرکلسترومی خفیف تا متوسط مؤثر بوده است (۱۷، ۱۵). همچنین لعاب حاصل از دانه‌های *P. ovata* در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو باعث کاهش اوج غلظت پلاسمایی گلوکز به علت ایجاد تأخیر در جذب آن شده است (۱۵). نکته‌ی قابل توجه آن‌که برای تهیه اکثر داروهای موجود در ایران و جهان از گونه‌ی اسپرزه‌ی (*P. ovata*) استفاده شده است.

۵. نتیجه‌گیری

در منابع معتبر طب سنتی، اسامی مختلفی برای اسپرزه ذکر شده است که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به بزرقطونا اشاره

پی‌نوشت

^۱ شاخه‌ی گیاهان دارویی از گروه طب اسلامی و طب سنتی، از تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱ در فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به منظور تبیین نام‌های گیاهان دارویی ذکر شده در منابع طب سنتی و یا متداول در بین مردم تشکیل شده است. از آن تاریخ در نشست‌های متعدد که با حضور استادان فن برگزار شده، ابتدا فهرستی از اسامی مختلف تهیه، و به ترتیب در مورد هر کدام بحث و تصمیم‌گیری شده است. مقاله‌ی حاضر، دومین دست‌آورد این جلسه‌ها و در مورد گیاه اسپرزه است. اعضای شاخه عبارتند از: سید احمد امامی، غلامرضا امین، عباس حاجی‌آخوندی، محبوبه خاتم‌ساز، مهناز خانوی، بهزاد ذوالفقاری، روجا رحیمی، ابوالقاسم سلطانی، محمدرضا شمس‌اردکانی، میثم شیرزاد، امید صادق‌پور، امیرمهدی طالب، علیرضا قنادی، مهرداد کریمی، منصور کشاورز، عبدالعلی محقق‌زاده، محمود مصدق، فریبرز معطر، محمد باقر مینایی.

^۲ پیچش و درد روده‌ها

^۳ ورم چرکی که شکافته شود و از آن چرک خارج گردد

^۴ حرکتی در راست روده برای دفع جسم آزار رسان حبس شده در آن است

^۵ دانه‌های بسیار سرخ مجتمع یا پراکنده است که هر یک بخش بزرگی از بدن را درگیر می‌کند و در فارسی آتشک نامیده می‌شود

^۶ ورم صفراوی خالص است که در پوست ظاهر شود و به فارسی «باد سرخ» نام دارد

^۷ جوش بزرگ دموی صنوبری شکل سرخ رنگ که در ابتدا دردناک است

^۸ به هم پیچیدگی

منابع

۱. انطاکی، داوود بن عمر: تذکره اولی الالباب و الجامع للعجب العجائب. دارالکتب العلمیه، بیروت، صص: ۵-۷، ۱۹۷۱.
۲. عقیلی خراسانی، محمد حسین: مخزن الادویه. انتشارات باورداران، تهران، ص: ۲۱۶، ۱۳۸۰.
۳. جانی قربان، مهین: فلور ایران: تیره‌ی بارهنگ (Plantaginaceae). شماره‌ی ۱۴، انتشارات موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، تهران، صص: ۲۹-۶، ۱۳۷۴.
4. Blumenthal M, Goldberg A, Brinchmann J. Herbal Medicine. Austin: American Botanical Council; 2000. p:314.
۵. دهخدا، علی اکبر: لغت نامه‌ی دهخدا. ج. ۶. چاپ افست گلشن، تهران، صص: ۲۰۷۴، ۲۳۲۳، ۱۳۳۰.
۶. جرجانی، سید اسماعیل: اغراض الطبیه و المباحث العلائیه. ج. ۱. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ص: ۲۸۹، ۱۳۸۴.
۷. هروی، موفق الدین ابومنصور علی: الابنیه عن حقائق الادویه. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۱.
۸. ابن بیطار، ابو محمد عبدالله بن احمد: الجامع لمفردات الأدوية و الأغذیه. ج. ۱. دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۰.
۹. ابن سینا، حسین بن عبدالله: القانون فی الطب. کتاب دوّم، نسخه‌ی چاپ سنگی تهران، ۱۲۹۶.
۱۰. تنکابنی مازندرانی، محمد مؤمن: تحفه المؤمنین. انتشارات نشر شهر، تهران، ص: ۸۴، ۱۳۸۹.
۱۱. چشتی، محمد اعظم خان: اسماء الادویه (نسخه خطی). مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ۱۲۸۷ هـ. ق.
۱۲. بیرونی، ابوریحان: الصيدنه فی الطب. ترجمه‌ی فارسی: ستوده، منوچهر؛ افشار، ایرج. ج. ۱. مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ص: ۵۵۶، ۱۳۸۷.
۱۳. انصاری شیرازی، علی بن حسین: اختیارات بدیعی. انتشارات شرکت دارویی پخش رازی، تهران، ص: ۵۷، ۱۳۷۱.
۱۴. اشبیلی، ابی الخیر: عمده الطبیب فی معرفه النبات. دارالغرب الاسلامی، بیروت، ص: ۸۵، ۱۹۹۵ م.
15. E/S/C/O/P Monographs, 2nd ed. the European Scientific Cooperative on Phytotherapy in collaboration with Thieme; 2003. p:388-92.
16. Blumenthal M, Busseb WR. The Complete German Commission E Monographs: Therapeutic Guide to Herbal Medicines. Austin: American Botanical Council; 1999. p:190-2.
17. Sweetman SC. Martindale: The Complete Drug Reference. 35nd ed. London: Pharmaceutical press; 2005. p.1221.